



سید محمد موسوی مقدم*

چکیده

مکتب پر بار باقری و محضر گهربار امام باقر(ع) اسلام شناسانی بزرگ به جامعه اسلامی هدیه کرد. اندیشمندانی که هر یک خود مرجعی مهم در مسائل علمی و مذهبی به شمار می آیند. دستاوردهای این دانشگاه فعال و عظیم علمی - دینی گسترده تر از آن است که بتوان به تمام آن اشاره کرد، اما از باب نمونه به معرفی بعضی از اصحاب و شاگردان مفسر و قرآن پژوه آن امام همام و آثار تفسیری و قرآنی ایشان می پردازیم که اسامی آنان بدین شرح است: جابر بن یزید جعفی، أبان بن تغلب، أبوحمزہ ثمالی، أبوجارود زیاد بن منذر همدانی، عطیة بن سعد بن جنادة عوفی، أبوالحسن زید بن علی بن حسین بن أبی طالب(ع)، محمد بن علی بن أبی شعبة حلبی و داوود بن أبی هند سرخسی.

کلید واژه: امام باقر(ع)، اصحاب مفسر، شاگردان قرآن پژوه.

مقدمه

امام محمد باقر(ع) در دورانی به مقام امامت رسیدند که جامعه اسلامی در وضع فرهنگی نابسامانی به سر می برد و فضای فکری جامعه گرفتار چالش های عمیق عقیدتی و درگیری های مختلف فقهی میان فرق اسلامی شده بود. فروکش کردن تنش های سیاسی

* . عضو هیأت علمی دانشگاه تهران پردیس قم .

پس از واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری و شکست برخی احزاب سیاسی مانند عبدالله بن زبیر سبب یکپارچگی حاکمیت اموی شده بود و ناگزیر، بسیاری از اندیشمندان از صحنه سیاسی دور شده بودند و حرکت گسترده‌ای در عرصه‌های مختلف علمی شروع شده بود. این رویکرد گسترده به مسایل دینی و بحث و تبادل آرای علمی در این برهه و پیدایش مذاهب و مکاتب مختلف علمی پس از سال‌ها رکود، جان دوباره‌ای به عالم علم و دانش بخشید و به واقع، نقش بی بدیل امام در این دوره در روشن سازی افکار عمومی مسلمانان و به ویژه اندیشمندان شیعه بسیار حائز اهمیت است. با حضور امام باقر(ع)، گام بلندی در راستای تحقق اهداف عالی اسلام و تبیین آرای شیعه برداشته شد و جنبش تحسین برانگیزی در میان عالمان شیعی پدید آمد.

از سوی دیگر، خطر افکار انحرافی یهود و سیطره آرا و دیدگاه‌های التقاطی فرق مرجئه، جبریه، قدریه، غلات و ... حیات فکری شیعه را با چالش جدی روبه‌رو کرده بود که به راستی مرجعیت دینی و علمی شایسته‌ای چون امام باقر(ع)، تفکرات خطرناک این فرقه‌ها را تا حد قابل توجهی منزوی ساخت. امام(ع) به سان خورشیدی گیتی فروز بر سپهر دانش پرتو افکن بود و در بیان برتری و بزرگی این جایگاه، همین بس که بیشترین حدیث در بین جوامع حدیثی شیعه، از آن امام همام و فرزند گرانقدرش امام صادق(ع) است و این خود بهترین گواه بر عظمت شخصیت علمی و منزلت اجتماعی ایشان محسوب می‌گردد. امام باقر(ع) در دوران امامت خویش، با وجود شرایط نامساعدی که بر عرصه فرهنگ جامعه سایه افکنده بود، با تلاشی جدی و گسترده نهضتی بزرگ را در عرصه دانش طرح ریزی نمود، تا جایی که این جنبش عظیم به پایه گذاری یک دانشگاه بزرگ اسلامی انجامید که پویایی و عظمت آن در دوران امام صادق(ع) به اوج خود رسید.

امام(ع) با برگزاری محافل علمی، با کج اندیشی‌ها مبارزه نمود و به تحکیم اصول و مبانی معارف ناب اسلامی با تکیه بر آیات رهنمون‌گر قرآن پرداخت و به پرورش دانشمندان و فرهیختگان عصر خود اهتمام ورزید؛ به گونه‌ای که دانشمندی چون جابر بن یزید جعفی هر گاه می‌خواست سخنی در باب علم به میان آورد - با آن توشه‌ای که از دانش داشت - می‌گفت: جانشین خدا و میراث‌دار دانش پیامبران محمد بن علی(ع) برایم این گونه گفت. ۱ امام باقر(ع) عالمان بزرگی را در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی چون فقه، حدیث، تفسیر و ... تربیت کرد و با درایت و هوشیاری تمام توانست شکافی را که در طول سال‌های

متممادی بین قرآن و عترت در باورهای دینی بخش عظیمی از مردم پدید آمده بود، از میان بردارد. پیش از دوران امامت امام باقر(ع)، خفقان سیاسی به اندازه‌ای بود که در برخی از ادوار انتقال آموزه‌های ناب اسلامی فقط از طریق دعا و نیایش و یا در قالب آموزش‌های دینی به چند پیشکار و خدمتگزار که با امام حشر و نشر داشتند، صورت می‌گرفت.

امام باقر(ع) به دلیل فضای خاص سیاسی حاکم بر جامعه توانست محافل علمی و دینی مؤثری را برگزار و استعدادهاى نهفته‌ای را که در جامعه اسلامی وجود داشت تربیت کند؛ با این حال، نباید تصور کرد که امام هیچ‌گونه محدودیتی در این راستا نداشته، بلکه با رعایت تقیّه این معنار را عملی کرده و با وجود تنگناهای خاص سیاسی و فرهنگی توانست افراد زیادی - بالغ بر ۴۶۲ نفر - را با آموزه‌ها و تعالیم ناب خویش پرورش دهد که نام یکایک آنها در دست است.^۲ در میان شاگردان امام باقر(ع) افرادی چون محمد بن مسلم توانستند سی هزار حدیث^۳ و شخصیت‌هایی نظیر جابر بن یزید جعفی هفتاد هزار حدیث^۴ از آن حضرت فراگیرند و نقل نمایند.

نگارنده این سطور بر آن است که در این پژوهش فقط به معرفی اصحاب و شاگردان مفسر و قرآن پژوه امام باقر(ع) و آثار ایشان پردازد که اسامی آنان به شرح ذیل است: جابر بن یزید جعفی، أبان بن تغلب، أبوحزمه ثمالی، أبوجارود زیاد بن منذر همدانی، عطیة بن سعد بن جنادة عوفی، أبوالحسن زید بن علی بن حسین بن أبی طالب(ع)، محمد بن علی بن أبی شعبة حلبی و داوود بن أبی هند سرخسی.^۵

۱. أبو عبدالله جابر بن یزید جعفی

أبو عبدالله جابر بن یزید بن حارث جعفی، از اندیشمندان برجسته جهان اسلام و از نزدیک ترین یاران امام باقر(ع) است. او کوفی و از خاندان جعفی، یکی از تیره‌های قبیله مذحج بود که از یمن به کوفه کوچ کردند.^۶ وی در کوفه از جایگاه والا و منزلت اجتماعی ویژه‌ای برخوردار بود و به عنوان صاحب نظر در مسائل دینی، تفسیری، تاریخی، حدیثی و حتی مسائل سیاسی محسوب می‌شد. اگر چه کلینی و قطب راوندی هر کدام روایتی از جابر به نقل از امام زین العابدین(ع) آورده‌اند،^۷ اما طوسی در رجالش جابر را از اصحاب آن امام ندانسته است.^۸ جابر جعفی علاوه بر درک محضر ائمه اطهار(ع)، از شخصیت‌های دانشمند دیگری نیز بهره‌ها برده و ذخایر علمی اندوخته است که از جمله آنها می‌توان از

جابر بن عبدالله انصاری، ابی الطفیل عامر بن واثله، عمارالدھنی، سوید بن غفلة، عکرمه، عطاء بن ابی رباح و طاووس بن کیسان نام برد.

برخی از شاگردان و تشنگان معارف اهل بیت (ع) که از آموخته های علمی و دینی جابر بن یزید جعفری بهره مند شدند عبارتند از: حسن بن صالح بن حی، شعبة بن حجاج، سفیان ثوری، سفیان بن عیینة، شریک، ابراهیم بن عمر یمانی، حسن بن سری، هشام بن سالم، عمرو بن شمر، زکریا بن حر، محمد بن فرات، مرازم، مفضل بن عمر، العزومی، عمر بن أبان و عبدالله بن غالب. او فرزند محدثی به نام اسماعیل داشته که از امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) روایت کرده است.^۹ جابر جعفری، احیاگر فرهنگ اهل بیت (ع) و پاسدار ارزش های الهی در حدود سال های ۱۲۷ و ۱۲۸ ق درگذشت.

زیاد بن ابی الجلال می گوید که می خواستم درباره جابر و جایگاه احادیث وی از محضر امام صادق (ع) بپرسم؛ وقتی به حضورش رسیدم، بدون مقدمه به من فرمود: «رحم الله جابر الجعفی کان یصدق علینا، لعن الله المغیره بن سعید کان یکذب علینا»؛^{۱۰} خداوند جابر جعفری را رحمت کند، او ما را تصدیق می کرد و خداوند مغیره بن سعید را لعنت کند، او ما را تکذیب می کرد.

شیخ طوسی او را از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) شمرده است.^{۱۱} سیدحسن صدر درباره او می گوید: جابر بن یزید جعفری از پیشوایان حدیث و تفسیر است و آنها را از محضر امام باقر (ع) آموخته است.^{۱۲} نجاشی می گوید: جابر بن یزید، ابوعبدالله جعفری، عربی اصیل بود. به دیدار امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نایل آمد و در زمان امام صادق (ع) در سال ۱۲۸ ق درگذشت. چند کتاب دارد که از جمله آنها «تفسیر» است. شیخ مفید در رساله «عددیّه» او را در زمره کسانی آورده است که طعن بر آنان روا نیست و راهی برای نکوهش آنان وجود ندارد.^{۱۳} کسی از مفضل بن عمر جعفری روایت کرده است که: از امام (ع) درباره تفسیر جابر پرسیدم، حضرت فرمود: درباره آن با مردم فرومایه سخن مگوی که آن را ناروا پخش می کنند.^{۱۴} ابن قولویه، شیخ مفید و ابن غضائری احادیث جابر جعفری را موثق و قابل اعتماد دانسته اند. ابن شهر آشوب وی را از خواص اصحاب حضرت صادق (ع) و باب علم امام باقر (ع) می داند.^{۱۵} وکیع نیز گفته است: در هر چیزی اگر شک بکنید، هرگز در صحت احادیث جابر تردید نکنید که او قابل اعتماد است.^{۱۶} سفیان ثوری می گوید: کان جابر ورعاً فی الحدیث، ما رأیت أروع فی الحدیث منه؛ جابر در نقل حدیث پارسا بود، کسی را پارسا تر از جابر جعفری در نقل حدیث

سراغ ندارم. ۱۷. عبدالرحمن بن شریک گفته است: نزد پدرم ده هزار مسأله از آموخته های جابر جعفری موجود بود. ذهبی از جابر با تعبیر: احد اوعیة العلم، یاد کرده است. ۱۸. عادل نویهض می گوید: جابر از تابعان و فقهای امامیه و از مردم کوفه است، و روایات زیادی دارد. دانش وی از دین، فراوان است و کتابی به نام «تفسیر القرآن» دارد. ۱۹. زرکلی در کتاب «الاعلام» از آن یاد کرده است. ۲۰. امام صادق (ع) فرمود: «جابر نزد ما مثل سلمان نزد پیامبر (ص) است» ۲۱. بعضی معتقدند که چهار نفر حامل علم ائمه اطهار (ع) بودند: سلمان فارسی، جابر بن یزید جعفری، سید حمیری و یونس بن عبدالرحمن.

جابر بن یزید جعفری حامل اسرار آل محمد (ص) و حافظ گنج های دانش اهل بیت (ع) بود و شاهد بر این مدعا روایاتی است که از او نشر یافته است. روایت «زیارت امین الله» از شاخصه های ارادت او به امیرالمؤمنین علی (ع) به شمار می رود، ۲۲ و از امام باقر (ع) با عنوان «سیدنا الامام» یاد کرده است. ۲۳ همچنین به عنوان فردی قائل به رجعت، ۲۴ امام علی (ع) را همان «دَابَّةٌ مِنَ الْأَرْضِ» (النمل، ۸۲/۲۷)، یاد شده در قرآن دانسته است که در روز قیامت ظاهر خواهد شد. ۲۵ جابر خود می گوید: امام محمد باقر (ع) نود هزار حدیث برایم بیان فرمود که بدون شک برای هیچ کس نقل نکرد و من نیز برای کسی نقل نکردم. او همواره هنگام نقل حدیث سخنش را با این جمله آغاز می کرد: وصی اوصیا و وارث علم انبیاء محمد بن علی (ع) برای من حدیث گفت. ۲۶

امام باقر (ع) فرمود: «ای جابر! بعد از هیجده سال هنوز به دنبال یادگیری از معارف ما هستی؟!» جابر عرض کرد: مولای من! بله، من از دریای علم و فضیلت شما هرگز سیراب نمی شوم؛ چرا که شما اقیانوس بی پایان دانش هستید که هیچ گاه به عمق آن نتوان دست یافت. آن چه از روایات فهمیده می شود ثبات و ژرف ایمانی جابر است که وی را باب علم و محرم راز ائمه معصومین (ع)، و سینه اش را زمین ایمن و محملی موثق برای اسرار ناگفته اهل بیت (ع) ساخته است؛ و با نظر به پیشینه تاریخی شخصیت جابر، می توان وی را که از خاصان و خلوت نشینان حریم قدس اهل بیت (ع) بوده، مصداق تام «عبد امتحن الله قلبه للایمان» و یا «المدينة الحصينة» دانست.

جابر از امام باقر (ع) روایت می کند که رسول خدا (ص) فرمود: «من سرّه ان یحیی حیاتی و یموت میتی و یدخل الجنة الّتی وعدنیها ربّی و یتمسک بقضیب غرسه ربّی بیده فلیتولّ علی بن ابی طلب (ع) و اوصیاءه من بعده فانهم لا یدخلونکم فی باب ضلال ولا یخرجونکم من

باب هدی فلا تعلموهم فانهم اعلم منکم وائی سألت ربی الا یفرق بینهم و بین الکتاب حتی یردا علی الحوض هکذا، وضم بین اصبعیه»^{۲۷}؛ هر کس که دوست دارد زندگی و مرگش همانند من باشد و به بهشتی داخل شود که پروردگام به من وعده داده است و به شاخه‌ای که پروردگام خود کاشته تمسک جوید، باید علی بن ابی طالب (ع) و جانشینان بعد از او را دوست داشته باشد [و از فرامین آنان اطاعت کند]؛ زیرا آنها شما را هرگز در وادی ضلالت داخل نمی‌کنند و از کانون هدایت بیرون نمی‌برند. به آنان چیزی نیاموزید؛ زیرا از شما داناترند و من از پروردگام خواسته‌ام که میان آنها و قرآن جدایی نیندازد تا در کنار حوض بر من وارد شوند. آن گاه رسول خدا (ص) دو انگشت [سبّابه] خود را به هم چسبانید و فرمود: این چنین! جابر به نقل از امام باقر (ع) فرمود: «احدی از مردم نمی‌تواند ادعا کند که همه قرآن را آن گونه که خدا نازل کرده جمع آوری نموده است جز این که بسیار دروغگوست، و کسی قرآن را آن گونه که خدا نازل کرده جمع آوری و حفظ ننمود جز علی بن ابی طالب (ع) و ائمه بعد از ایشان».^{۲۸}

جابر در جای دیگر از امام باقر (ع) روایت می‌کند که فرمود: «لکل شیء ربيع و ربيع القرآن شهر رمضان»^{۲۹}؛ برای هر چیزی بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است.

آثار و تألیفات

مهمترین آثار جابر بن یزید جعفی در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی به شرح ذیل است: کتاب التفسیر، کتاب مقتل الحسین (ع)، کتاب الجمل، کتاب الصفین، کتاب النهروان، کتاب الفضائل، کتاب مقتل امیرالمؤمنین (ع)، کتاب النوادر و رساله‌ای جعفر (ع) الی اهل البصره.^{۳۰}

۲. أبان بن تغلب بن رباح بکری کوفی

أبان بن تغلب از آل بکر بن وائل، اهل کوفه و کنیه اش ابوسعید است. شیخ طوسی درباره او می‌گوید: ثقة و جلیل‌القدر است و منزلت عظیمی دارد. او از اصحاب امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بوده و از ایشان روایت کرده است. او در نزد ایشان از جایگاه خاصی برخوردار بود.^{۳۱} نجاشی او را دارای جایگاهی عظیم می‌داند و از حسین بن سعید بن ابی جهم نقل می‌کند که می‌گفت: پدرم از أبان بن تغلب درباره تفسیر آیه: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (الحمد، ۴/۱)، برایم حدیث نقل کرد؛ - سپس تمام تفسیر آیه را آورده و

می گوید: - أبان قرائتی مخصوص به خود دارد که در نزد قراء مشهور است . محمد بن موسی بن ابی مریم می گوید: من محضر أبان بن تغلب را درک کردم؛ هرگز کسی را در قرائت توانا تر از او ندیده ام . ۳۲ از سلیم بن أبوحیه روایت شده است: من نزد امام صادق (ع) بودم . وقتی خواستم از ایشان جدا شوم ، عرض کردم: دوست دارم چیزی به من هدیه کنید . فرمود: « ائت أبان بن تغلب فإنه سمع منی حديثاً كثيراً! فما روی لک فاروه عنی » ۳۳؛ نزد أبان بن تغلب برو ، چرا که او از من احادیث بی شماری شنیده است . آنچه او از من روایت کرد ، تو نیز از من روایت کن . امام صادق (ع) به ایشان بسیار علاقه مند بود ، هرگاه بر امام صادق (ع) وارد می شد ، حضرت بر می خاست و با او معانقه و مصافحه می نمود و امر می فرمود تا بالشی برای او گذارند تا بر آن بنشیند ، از حال او جویا می شد و به او خوش آمد می گفت .

محدث قمی می فرماید: أبان بن تغلب مردی ثقة ، جلیل القدر و عظیم المنزله بود . وی محضر سه امام را درک کرده: امام زین العابدین (ع) ، امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) ، و از این سه امام روایاتی را نقل کرده و از ناحیه آن بزرگواران حظ و بهره فراوان برده است . علامه مامقانی می نویسد: وثاقت و منزلت رفیع أبان بن تغلب ، نزد هر دو گروه - إمامیه و اهل سنت - مورد اتفاق نظر است تا آن جا که نیازی به ترسیم چهره علمی و معنوی او احساس نمی شود .

أبان بن تغلب از شخصیت های علمی عصر خود بود و تسلط و احاطه علمی خوبی بر قرآن ، تفسیر ، فقه ، حدیث ، ادب ، نحو ، قرائت و لغت داشت . او از برگزیدگان فقه و ادبیات عرب و سرآمد قاریان قرآن بود . أبان قرائت منحصر به فردی در قرآن داشت که هم اکنون نزد قاریان قرآن مشهور است . ذهبی می گوید: إنه شیعی جلد لکنه صدوق ، فلنا صدقه و علیه بدعته ؛ او شیعی سرسختی است ولی راستگوست ، راستگویی اش برای ما و بدعتش بر ضدّ خودش . ابراهیم نخعی که خود از علمای اهل سنت است می گوید: أبان در هر گونه دانش - در قرآن ، فقه ، حدیث ، ادب ، لغت و نحو - پیشتاز و پیشگام بود . این واقعیت می رساند که أبان در علم قرائت از قراء و صاحب صحاح و قاموس ، و در علم فقه از أبوحنیفه ، شافعی ، مالک بن انس و احمد بن حنبل پیشتازتر بوده و بر آنها سبقت داشته است .

دقت در این واقعیت می نمایاند که عالمان شیعی و اندیشمندان امامیه و شاگردان ائمه اطهار (ع) علاوه بر فقاہت در سایر رشته های علمی نیز بر دیگران سبقت داشته و آرا و نظرات ایشان بنیان رشد علوم را در مراحل بعد پی ریخته است . میزان امانتداری أبان بن

تغلب آن چنان است که عده زیادی از علمای اهل سنت با اقرار به شیعه بودن او، روایاتش را مورد اعتماد دانسته اند و از او حدیث نقل کرده اند؛ مانند یحیی بن معین، أبوحاتم، نسائی، ابن عدی، ابن عجلان، حاکم، عقیلی، ابن سعد، ابن حجر، ابن حیان، ابن میمون، ذهبی، ازدی و ... ۳۴

امام صادق (ع) به أبان بن عثمان فرمودند: «إِنَّ أَبَانَ بْنَ تَغْلِبِ بْنِ رُوَيْ عَنِّي ثَلَاثِينَ أَلْفَ حَدِيثٍ فَأَرْوَاهَا عَنْهُ»؛ تحقیقاً أبان بن تغلب از من سی هزار حدیث روایت نموده است؛ تو آنها را از وی روایت کن. والایبی دانش ابان چنان بود که امام باقر (ع) بدو فرمود: «اجلس في المسجد و أفت الناس! فإني أحب أن يري في شيعتي مثلك»^{۳۵}. در مسجد مدینه بنشین و برای مردمان فتوی بده، زیرا دوست دارم مردم چون تویی را در میان شیعیان ما ببینند. او از امام اجازه خواست تا بر اساس نظر دیگر فقها نیز فتوا دهد؛ به امام عرضه داشت: من در مسجد می نشینم و مردم می آیند و از من سؤال می کنند. اگر به آنان جواب ندهم از من نمی پذیرند. من نیز اکراه دارم که جواب آنان را با فرمایش شما یا روایاتی که از شما رسیده است جواب بدهم!؛ از این رو، امام به او اجازه دادند که بر اساس آنچه که می داند برای مردم فتوا دهد. فرمود: «دقت کن آنچه را می دانی رأی آنان است، بر ایشان بازگو»^{۳۶}. از امام صادق (ع) نیز روایت شده است که به أبان بن تغلب فرمود: «ناظر أهل المدينة! فإني أحب أن يكون مثلك من رواتي و رجالی»^{۳۷}؛ با مردم مدینه مناظره کن، زیرا من دوست دارم که کسانی مانند تو روایت کننده حدیث من باشند و از اصحاب و یاران من به شمار آیند. هرگاه به مدینه وارد می شد مردم به سوی او سرازیر می شدند و حلقه های درس دیگران به خاطر او تعطیل و ستون پیامبر (ص) - ساریه النبی - به او واگذار می شد. ۳۸ البته این کار با فرمان امام باقر (ع) انجام پذیرفت.

این تعبیرها می رساند که مقام علمی و لیاقت أبان برای انتقال دادن معارف دین و علوم اهل بیت (ع) به مردم از سوی امام (ع) مورد پذیرش قرار گرفته و امضا شده است. چون خبر درگذشت أبان را به امام صادق (ع) اطلاع دادند فرمود: «أما والله لقد أوجع قلبي موت أبان»^{۳۹}؛ سوگند به خدا آگاه باشید و بدانید که مرگ أبان دل مرا به درد آورد. او در زمان حیات امام صادق (ع) در سال ۱۴۱ ق وفات کرد. ۴۰

آثار و تألیفات

أبان دارای تألیفات فراوان و پرباری است. از جمله آنهاست کتاب «تفسیر غریب القرآن

الکریم» که درباره واژگان دشوار قرآن تألیف و شواهد آن از اشعار عرب بیان شده است؛ این اثر نخستین تألیف در غریب القرآن محسوب می‌گردد، و بعداً عبدالرحمن بن محمد ازدی کوفی آمد کتاب أبان و محمد بن سائب کلبی و ابن روق عطیه بن حارث را جمع کرد و آن را کتاب واحدی قرار داد و در آن موارد اختلاف و اتفاق شان را بیان نمود. بنابراین، گاهی از کتاب أبان منفرداً نقل می‌شود و گاهی مشترکاً بنا بر آنچه که عبدالرحمن انجام داده است، و اصحاب ما هر یک از دو کتاب را با اسناد معتبره روایت کرده و با طرق مختلف آورده‌اند. و از برای اوست کتاب «فضائل»، کتاب «صفین»، کتاب «معانی القرآن»، کتاب «قرائات» و اصلی از اصول معتمد در نزد شیعه امامیه در احکام شرعیّه. طائفه امامیه همه کتاب‌های أبان را با اسناد به او روایت کرده‌اند و تفصیل این مطلب در کتب رجال است. ۴۱

۳. ثابت بن دینار أبو حمزه ثمالی ازدی کوفی

نامش ثابت و اسم پدرش دینار و کنیه اش أبو صفیه است. وی از ثقات سلسله امامیه و از مشایخ اهل کوفه است که روایات او نزد علمای رجال و حدیث، معتمد، موثق و مورد قبول است. رجالیون شیعه او را از اصحاب خاص امام سجاد(ع) و امام باقر(ع) دانسته‌اند. نجاشی نقل می‌کند که او از اخیار اصحاب و افراد مورد اعتماد آنها در روایت و حدیث بوده و از امام جعفر صادق(ع) روایت شده است که فرمود: «أبو حمزه سلمان زمان خودش بود» ۴۲. شیخ صدوق نیز گفته است: أبو حمزه، ثابت بن دینار الثمالی، ثقة و عدل بود و چهار نفر از امامان شیعه را ملاقات کرده بود: علی بن الحسین(ع)، محمد بن علی(ع)، جعفر بن محمد(ع) و موسی بن جعفر(ع). فضل بن شاذان نیز روایت می‌کند که امام رضا(ع) درباره او فرمود: «أبو حمزه ثمالی لقمان - سلمان - زمان خودش بود. او محضر پربرتک سه امام معصوم: علی بن الحسین(ع)، محمد بن علی(ع) و جعفر بن محمد(ع) را تماماً و برهه‌ای از دوران امامت امام موسی بن جعفر(ع) را درک کرده و مورد عنایت آنان بوده است». رجال کشی نیز از ابوبصیر نقل می‌کند که من وارد بر امام صادق(ع) شدم، فرمود: «أبو حمزه ثمالی چه می‌کند؟» گفتم: در حالی او را ترک کردم که مریض بود. فرمود: «هرگاه برگشتی سلام مرا به او برسان و بگو که او در فلان ماه و فلان روز خواهد مرد». ابوبصیر می‌گوید: عرض کردم: سوگند به خداوند، شما در مورد او انس و محبت داشتید و او شیعه شما بود. فرمود: «راست می‌گویی آنچه که نزد ماست، خیر برای اوست». عرض کردم: آیا شیعیان شما

با شما هستند؟ فرمود: «البته، ولی به شرط این که از خداوند بترسند و پیامبر خدا را احترام گذارند و از گناهان بپرهیزند. هرگاه شیعه‌ای چنین کند، با ما هم رتبه خواهد بود». ابوبصیر می‌گوید: ما همان سال برگشتیم و چیزی طول نکشید که ابوحزمه وفات نمود. بر اساس روایتی امام جعفر صادق (ع) به او گفت: «من هر گاه تو را می‌بینم احساس آرامش می‌کنم». ابن ندیم درباره او می‌گوید: او از نخبگان ثقات است. ۴۳ سید حسن نصر نیز او را چنین ستوده است: بزرگ شیعیان کوفه بود و همگان از سخن او شنوایی داشتند. صارم الدین درباره او می‌گوید: او نماد تشیع و شاخصه شیعیان شمرده می‌شود. برخی از رجالیون عامه او را به سبب تشیع قذح کرده‌اند، ولی حاکم نیشابوری او را توثیق کرده و در «المستدرک» از او روایت کرده و سند آن را - طبق نظر بخاری و مسلم - صحیح دانسته است. حاکم می‌گوید: قذحی جز به دلیل انتساب او به تشیع درباره او گفته نشده، در صورتی که شیخین - بخاری و مسلم - از او روایت کرده‌اند. به همین دلیل، بزرگان اهل حدیث - از اهل سنت - به قذح رجالیون ارجی ننهادند و از او بسیار روایت کرده‌اند؛ از جمله ترمذی، ابن ماجه، خطیب بغدادی، ابن ابی شیبه، ابوجعفر طحاری، حاکم نیشابوری، ابن قتیبه، ابو نعیم و ... او تفسیری روایی دارد که از منابع تفسیری معتبر شمرده شده و مفسرانی چون طبری، طبرسی، قرطبی، عیاشی و غیره از آن نقل کرده‌اند و اخیراً دانشمند محترم عبد الرزاق حرزالدین به گردآوری و تحقیق آن پرداخته و به چاپ رسانده است. تفسیر ابوحزمه ثمالی تفسیری دقیق، عمیق و قابل اعتماد است. ۴۴ عادل نویهض درباره او می‌گوید: فقیه امامی و از بزرگان رجال حدیث و از ثقات شمرده می‌شود و مفسری زاهد و از اهل کوفه است. ۴۵ ابوحزمه ثمالی در شهر کوفه پرورش یافت و همان جا را به عنوان محل زندگی انتخاب کرد. وی بعد از آن که به رشد و کمال رسید، به تبلیغ معارف و فرهنگ دینی و تدریس حدیث، اخلاق و تفسیر قرآن در مسجد کوفه پرداخت. وی هر روز برای تدریس، عبادت و رسیدگی به امور مردم، به ویژه شیعیان به مسجد کوفه می‌رفت. آن روز هم مثل همیشه در مسجد بود که آن لحظه تاریخی فرا رسید.

خودش می‌گوید:

جلوی ستون هفتم مسجد کوفه نشسته بودم که از سوی باب کنده مردی وارد شد که من در طول عمر خویش شخصی زیباتر، خوشبوتر، پاکیزه‌تر و خوش لباس‌تر از او ندیده بودم. عمامه‌ای بر سر و پیراهنی عربی و قبایی بر تن داشت. کفش‌های عربی

را از پای درآورد و در کنار ستون هفتم به نماز ایستاد. تکبیره الاحرام نماز را وقتی ادا کرد، آن چنان جذاب و مؤثر بود که موهای بدنم سیخ شد. شیفته نغمه زیبا و لهجه دلربای وی شدم. نزدیک تر شدم تا کلماتش را بهتر بشنوم. چهار رکعت نماز خواند با رکوع و سجود کامل و عالی. بعد از سلام نماز، شروع به دعا کرد: «الهی إن کان قد عصیتک، فانی قد اطعتک فی أحب الأشياء إلیک الاقرار بوحدانیتک...»^{۴۶}.

بعد از این که از دعا فارغ شد، از مسجد بیرون رفت. من با اشتیاق تمام به دنبال وی به راه افتادم تا این که به مناخ - محل نگهداری شتران در کنار شهر - کوفه رسیدیم. در آن جا غلامی بود که شتر این مرد با عظمت را محافظت می کرد. از غلام پرسیدم: این مرد کیست؟ جواب داد: آیا از شمائل و سیمای نورانی اش او را نشناختی؟ او حضرت زین العابدین علی بن الحسین (ع) است. وقتی آقا را شناختم، خود را بر قدم های مبارکش انداختم و خواستم پاهایش را ببوسم. حضرت با دست های مطهر خویش مرا از زمین بلند کرد و فرمود: «نه! ای أباحمزه! سجده مخصوص خداوند عزیز و جلال است». عرض کردم: ای فرزند رسول الله! برای چه به این جا تشریف آورده اید؟ فرمود: «برای آنچه که دیدی! اگر مردم می دانستند که نماز خواندن در مسجد کوفه چه فضیلتی دارد، مثل کودکان چهار دست و پا به سوی آن می شتافتند».

امام سجاد (ع) به أبوحمزه فرمود: «آیا دوست داری قبر جدم علی بن ابی طالب (ع) را زیارت کنی؟» با شنیدن این پیشنهاد، شادی در چهره أبوحمزه موج زد و آن قدر خوشحال شد که سر از پا نمی شناخت. وی با این که در کوفه و نزدیک نجف بود، قبر امام علی (ع) را نمی شناخت و نیز تا آن لحظه - به علت موانعی - موفق به زیارت امام سجاد (ع) نشده بود. او که مدت ها انتظار وصال محضر یار را داشت، چنین فرصتی را غنیمت شمرد و با کمال میل، همراهی با امام (ع) را قبول کرد و در رکاب پیشوای چهارم شیعیان به راه افتاد. أبوحمزه در طول راه از خرمن معارف آن حضرت بهره برد، تا این که به مرقد شریف أميرالمؤمنین (ع) رسیدند. امام سجاد (ع) محل دفن مولای متقیان را - که تا آن زمان مخفی بود - به أبوحمزه نشان داد و فرمود: «این قبر جدم علی بن ابی طالب (ع) است».

أبوحمزه می گوید: وقتی چشمانم به آن جا افتاد، بقعه ای سفید دیدم که نور از آن می درخشید. امام چهارم (ع) از شتر پیاده شده و گونه های مبارک را بر خاک قبر گذاشت؛ سپس شروع به خواندن زیارت کرد: «السلام علی اسم الله الرضی ونور

وجهه المضیی ء...». أبوحمزه می گوید: بعد از زیارت، امام سجاد(ع) به مدینه تشریف برد و من هم به کوفه بازگشتم. أبوحمزه پس از آن بارها همراه شماری از فقیهان شیعه به زیارت قبر امام علی(ع) رفت. وی در این سفرها معارف اهل بیت(ع) اعم از فقه، تفسیر و حدیث را به همسفران خود تعلیم می داد. ۴۷

آثار و تألیفات

مهم ترین آثاری که رجالیون برای أبوحمزه ثمالی برشمرده اند عبارتند از: کتاب تفسیر القرآن، کتاب النوادر، کتاب الزهد، رساله الحقوق عن علی بن الحسین(ع) و دعای سحر. ۴۸

۴. أبوچارود زیاد بن منذر همدانی کوفی

زیاد بن منذر العبیدی همدانی الخراسانی الکوفی، در طبقه تابعین اصحاب محسوب شده و کنیه او أبوچارود است و فرقه او منسوب به این کنیه است. کنیه پدرش اَبی زیاد است از این رو به او زیاد بن اَبی زیاد نیز گفته می شود. ۴۹ نام او در کتب معتبر روایی، تفسیری و رجالی شیعه ذکر شده، در ابتدا از اصحاب امام باقر(ع) بود و از ایشان فراوان روایت نقل می کند؛ ولی با خروج زید بن علی بن الحسین(ع) بر علیه بنی امیه به او پیوست و زیدی مذهب شد. ۵۰ او تفکری را در برابر امامیه بنیان نهاد که سال ها ادامه داشت و پیروان او در نهضت های مختلف شرکت داشتند. شیخ طوسی در کتاب رجالش أبوچارود را از اصحاب امام باقر(ع) ۵۱ و امام صادق(ع) ۵۲ شمرده است. نجاشی به نقل از أبوعباس بن نوح در کتاب رجالش نوشته است: «عطیه و مروان بن معاویه از أبوچارود و او از امام باقر(ع) استماع حدیث کرده است...» ۵۳. علامه حلی به نقل از ابن غضائری می نویسد: امامیه بر روایت های أبوچارود از محمد بن بکر ارجحی اعتماد کرده اند. صاحب «معجم رجال الحدیث» پس از یادکرد دیدگاه های موافق و مخالف در مورد أبوچارود، در طی بحث مفصلی وی را توثیق کرده و چنین نوشته است: ظاهر این است که أبوچارود ثقة است... [به دلایل زیر:]

۱. وی در اسناد «کامل الزیارات» واقع شده است و جعفر بن محمد قولویه تمام کسانی را که در اسناد آن واقع شده اند، توثیق کرده است....

۲. شیخ مفید در «رساله عددیه» گواهی داده است که وی از اعلام و رؤساست که مردم، حلال و حرام و فتاوی و احکام دین را از آنان می گرفتند. هیچ طعنی بر آنان وارد نیست و راه مذمت بر هیچ یک از آنان وجود ندارد.

۳. وی در سند تفسیر علی بن ابراهیم قرار گرفته و او همه کسانی را که در سند تفسیرش قرار گرفته اند، توثیق کرده است ...

ایشان همچنین می نویسد: این که ابن غضائری می گوید: «أبو جارد دارای مقام است و امامیه بر روایت های او که از طریق محمد بن بکر أرجنی رسیده است اعتماد دارند، مؤید این مطلب است. ۵۴ بعضی از عامه أبو جارد را مذمت کرده اند، ولی چنان که سیره برخی از نویسندگان متعصب است، خود روشن کرده که تنها دلیل ایشان جانبداری أبو جارد از مکتب اهل بیت (ع) بوده است.

در میان امامیه تنها کشتی او را تضعیف کرده و روایت هایی را مبنی بر تضعیف و نامیده شدن وی به «سرحوب» - حیوان نابینای دریایی - از سوی امام باقر (ع) و امام صادق (ع) یاد کرده است. اما تمام این روایت ها، گذشته از این که مرسل یا ضعیف هستند، از نظر دلالت نیز ضعیف بوده و مدعای کسی را ثابت نمی کنند. بنابراین، دلیل قابل توجهی بر تضعیف أبو جارد در زمان استقامت وی وجود ندارد و تفسیر مورد نظر در زمان استقامت وی از امام باقر (ع) روایت شده است. راوی این تفسیر از ابی الجارود در طریق شیخ الطائفة شیخ طوسی و ابوالعباس نجاشی، أبوسهل کثیر بن عیاش قطان است و او از راویان ضعیف می باشد، ولی علی بن ابراهیم بن هاشم قمی این تفسیر را در تفسیر خود به اسناد از ابی بصیر یحیی بن ابی القاسم اسدی (م ۱۵۰ ق) روایت کرده که به توثیق او تصریح شده است و او از ابی الجارود روایت می کند. شیخ آقابزرگ تهرانی در «الذریعة» این تفسیر را تحت عنوان «تفسیر ابی الجارود» ذکر می کند، سپس تحت عنوان «تفسیر الامام الباقر (ع)» یاد کرده و سید حسن صدر در «تأسیس الشیعة» تحت عنوان «تفسیر أبوجعفر الباقر (ع)» ثبت کرده است. ۵۵ بخاری درگذشت او را بین سال های ۱۵۰ تا ۱۶۰ ق دانسته است. او از بسیاری از تابعان مانند عطیة عوفی، أصبغ بن نباته، حسن بصری و عبدالله بن حسن روایت کرده است. ۵۶ او تفسیری دارد که از امام باقر (ع) روایت کرده و این تفسیر در تفسیر قمی آمده است.

روایات أبو جارد در تفسیر «علی بن ابراهیم قمی»

روایت های أبو جارد از امام باقر (ع) از تفسیر آیه «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ...» (آل عمران، ۴۵/۳) وارد تفسیر قمی شده و حدود ۳۰٪ روایت های این تفسیر را تشکیل می دهند. روایت های أبو جارد فقط در چهار مورد با سلسله سند و در دیگر موارد، بدون سند یاد شده اند. طریق نویسندگان به أبو جارد به شرح زیر است: «حدثنا احمد بن محمد الهمدانی

قال حدثني جعفر بن عبدالله، قال حدثنا كثير من عياش عن زياد بن المنذر، أبو جارود عن أبي جعفر (ع) «...»^{۵۷}. طريق یاد شده عین طریقی است که شیخ طوسی و نجاشی در کتاب های خود یاد کرده اند و این طریق به دلیل کثیر بن عیاش ضعیف است.

اما برای تفسیر أبو جارود طریق های صحیح و معتبر دیگری نیز هست که از ناحیه خود وی و از ناحیه راویان اشکالی ندارد. گذشته از این چهار مورد، تمام روایت های أبو جارود را بدون سند و با بیان زیر نقل کرده است: «و فی روایة أبي الجارود، عن أبي جعفر (ع) ...»^{۵۸}.

آثار و تألیفات

«تفسیر القرآن» کتاب محمد بن علی بن الحسین (ع) است که أبو الجارود زیاد بن منذر رئیس فرقه جارودیه از آن حضرت نقل کرده است.^{۵۹} سید حسن صدر می گوید: جمعی از ثقات شیعه همچون أبو بصیر یحیی بن قاسم اسدی نیز آن را نقل نموده اند و علی بن ابراهیم بن هاشم قمی در تفسیر خود آن را از طریق ابي بصیر نقل کرده است. تفسیر أبو جارود را امروزه در کتاب تفسیر علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، استاد محمد بن یعقوب کلینی و تفسیر فرات کوفی می توان مشاهده کرد. تفاسیر اولیه زیدیه در تفسیر أبو جارود معرفی شده که بیانگر تمایلات جبری است و مشتمل بر مباحث تاریخی و نسبتاً شورانگیز می باشد. بیش از دویست نقل قول از تفاسیر او در تفسیر قمی ارائه شده و این چندان شگفت انگیز نیست، چرا که شیعیان امامیه، جارودیه را با توجه به دیدگاه های اصیل شیعی آنها، زیدیه متعصب خوانده اند.^{۶۰}

۵. أبو الحسن عطية بن سعد بن جنادة عوفی کوفی

عطیه عوفی از شیعیان معروف امیر المؤمنین (ع) و کنیه اش «أبو الحسن» بود و بین سال های ۳۶ تا ۴۰ هجری در کوفه به دنیا آمد. پدرش سعد بن جناده قناده اش را نزد حضرت علی (ع) برد و از ایشان خواست تا نامش را انتخاب کند. حضرت فرمود: «هذا عطية الله»؛ این نوزاد عطیه و موهبت خداوند است؛ از این رو، نام او را عطیه نهادند. حضرت پس از نام گذاری، برای عطیه صد درهم حقوق ماهانه تعیین فرمود و پدرش با دریافت حقوق برای کودک غذا تهیه کرد.^{۶۱} او از طایفه بکالی است؛ از قبیله ای که شأن و منزلت شان در عرب معروف بود، و مادرش از اسرای آزاد شده رومی است.^{۶۲} عطیه فرزندی به نام علی داشت که از اصحاب امام صادق (ع) به شمار می آید. وی از تابعین بود و با واسطه از پیامبر (ص) سخن

نقل می‌کرد. ابن عماد حنبلی از او به عالمی نبیل و زاهدی والا مقام یاد کرده،^{۶۳} و ذهبی او را به خاطر تشیع اش تضعیف نموده و گفته است: «کان عطیة یتشیع»^{۶۴}. توفیق درک پنج امام را داشت، از امیر عدالت تا شکافنده علوم امام محمد باقر(ع).^{۶۵} عطیة از بزرگ‌ترین دانشمندان، مفسران، محدثان و اسلام شناسان عصر خود بوده است. جابر بن عبدالله انصاری و عبدالله بن عباس از معروف‌ترین اساتید و مشایخش بوده‌اند.^{۶۶} تفسیر و تأویل را از ابن عباس، زید بن أرقم، عکرمه، عدی بن ثابت و دیگران اخذ کرد. او تفسیری بر قرآن در پنج جلد نگاشت - که فعلاً موجود نیست - و آن را بر استادش ابن عباس عرضه نمود. انسش با قرآن به اندازه‌ای ای بود که خودش می‌گوید: من سه دوره تفسیر کامل قرآن را نزد ابن عباس آموختم و قرآن را نیز هفتاد بار در کنارش خوانده‌ام. اثر جاودان دیگری هم از او با نام «خطبه فدک حضرت زهرا(س)» به یادگار مانده است. حضرت این خطبه را در مسجد النبی ایراد فرمود. عطیة آن را برای عبد الله بن حسن مثنی، پسر امام حسن مجتبی(ع) نقل کرد و در تاریخ به یادگار نهاد.^{۶۷} «زیارت اربعین» یادگار دیگر اوست، آن هنگام که با جابر بن عبدالله انصاری به کنار تربت ابا عبدالله(ع) رفتند. آثار عطیة نزد علمای اهل سنت معتبر است و بزرگانی چون طبری و خطیب بغدادی از آثار این دانشور بزرگ بهره‌فراوان برده‌اند.^{۶۸} برای بیان مقام و منزلت مولایش علی(ع) زبانی گویا و راسخ داشت و با جرأت تمام و فصاحت کلام از حریم ولایت علوی دفاع می‌کرد.^{۶۹} برای اثبات ولایت علی بن ابی طالب(ع) و برتری او بر دیگر خلفا، نه تنها از قلم بلکه از گام‌های خود هم بهره‌گرفته است؛ او جزو کسانی است که حدیث غدیر را به دورترین نقاط سرزمین‌های اسلامی رسانده است.^{۷۰} بارها فریاد زد و نوشت که آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (المائدة، ۶۷/۵) در شأن مولایم علی(ع) نازل شده است؛ نزلت هذه الآية على رسول الله(ص) فی علی بن ابی طالب(ع).

زمانی که مردم سبّ حضرت علی(ع) را جزو فریض خود در هر قنوت و خطبه می‌دانستند، عطیة به افشاگری پرداخت و با نقل فضایل آن حضرت کوشید ولایت علوی را در جامعه تثبیت کند.^{۷۱} ستم و سیاهی در جامعه بیداد می‌کرد. یزید، سربلند از قتل حسین بن علی(ع) و یارانش بود و اهل بیت رسول خدا(ص) اسیر دست حاکم ستم پیشه جامعه. یزید آن قدر در جامعه رعب و وحشت حاکم کرده بود که کسی حتی فکر اعتراض به وضع موجود را نمی‌کرد. او تمام سعی خود را کرد تا با خفه کردن صدای هر مخالفی، قیام

عاشورا را امری عادی جلوه دهد. در این خفقان و بی عدالتی، باقی مانده یاران رسول خدا(ص)، یعنی جابر بن عبدالله انصاری که از خود حضرت این حدیث را شنیده بود: «یا جابر زر قبر الحسین فان زیارته تعدل مائة حجة؛ ای جابر! قبر فرزندم حسین را زیارت کن؛ چون ثواب زیارتش برابر با صد حج است. با چشمانی نابینا و دلی روشن و ضمیری پاک راه کوفه را در پیش گرفت و خود را به دست پرورده مکتب علوی، یعنی عطیة عوفی رساند. این دو مرد بزرگ در اربعین شهادت ابا عبدالله الحسین(ع) و اصحابش در سرزمین مقدس کربلا حاضر شدند و این افتخار نصیب شان شد که از نخستین زائران حرم حسینی شوند. ۷۲ جایگاه زیارت اربعین چنان والا است که امام حسن عسکری(ع) فرمود: «یکی از علامت های مؤمن زیارت اربعین سید الشهداء است». ۷۳

در آن شرایط، حرکت جابر از مدینه و عطیة از کوفه برای زیارت سید الشهداء تأییدی بر قیام آن حضرت بود. ۷۴ حضور هم زمان عطیة و جابر و بانوان داغدار اهل بیت(ع) در کربلا و برپایی سه روز سوگواری برای سید الشهداء به گسترش نهضت حسینی و افشای جنایات دژخیمان بنی امیه انجامید. بدین ترتیب، عطیة و جابر از بنیان گذاران قیام های توابین و دیگران در دفاع از قیام کربلا شدند. ۷۵

عطیة پیوسته از عشق علی(ع) و حق مسلم آل علی برای خلافت و زمامداری حکومت سخن می گفت و در این راه از هیچ شکنجه ای هراس نداشت. تاریخ هرگز مبارزه سیاسی این دانشمند بزرگ را فراموش نمی کند. مبارزه های او در زمان حکومت ستم پیشه عبدالملک مروان، پنجمین خلیفه اموی جزو جاودانه های تاریخ است. ۷۶ این رزمنده حق طلب در رکاب عبدالرحمن بن محمد بن اشعث که در سال ۸۰ هجری علیه حکومت ظالمانه حجاج قیام کرد حضور داشت. بعد از شکست عبدالرحمن به فارس گریخت. حجاج به فرماندار فارس دستور داد که او را دستگیر و وادارش کند که به علی(ع) ناسزاگوید و اگر امتناع ورزید شکنجه اش کند. عطیة زیر بار چنین ننگی نرفت و تلخی شکنجه های دژخیمان اموی را با کمال شهامت پذیرفت. او پس از مدتی به خراسان رفت و بعد از درخواست پناهندگی از فرماندهی عراق به کوفه بازگشت. روح مقاوم و بلند عطیة عوفی در سال ۱۱۱ هجری به مقتدای مهربانش علی(ع) پیوست و جسمش در بستر خاک آرام گرفت. ۷۷

کتاب «تفسیر القرآن الکریم به روایت عطیة عوفی» را باید از نخستین آثار مکتوب تفسیری قرآن کریم در تاریخ اسلام به شمار آورد که توسط استاد عبدالرزاق حرزالدین تدوین و

گردآوری شده است. در تحقیق و بازسازی تفسیر عطیة کوفی، پژوهشی همه جانبه و مفصل پیرامون ابعاد مختلف زندگانی علمی و اجتماعی، و بیان شیوه تفسیری او انجام گرفته که نتیجه آن در حجم حدود ۳۵۰ صفحه در ابتدای این تفسیر درج شده است. عبدالرزاق حرزالدین همچنین ۲۱۸۹ حدیث به نقل از عطیة کوفی جمع آوری و به ترتیب سوره‌های قرآن تنظیم و در سه مجلد تدوین نموده و آن را با عنوان «تفسیر القرآن الکریم به روایت عطیة کوفی» نام نهاده است. پیش از تدوین این نوشتار، آرای پراکنده زیادی از عطیة در تفاسیر قرآن موجود بود، اما اثری که به صورت مدون و یک جا تمامی آرای تفسیری وی را گرد آورده باشد وجود نداشت. ویژگی شاخص تفسیر او در این است که وی به صرف نقل و جمع آوری آرای افراد مختلف در حوزه تفسیر قرآن کریم بسنده نکرده، بلکه با نوعی نگاه اجتهادی و پژوهشی، به بررسی و مقایسه آرا و گزینش آنها پرداخته است. همچنین یکی از دلایل غنای تفسیر عطیة عوفی را باید بهره مندی از آرای متنوع اساتید و مشایخی دانست که وی در محضرشان کسب فیض و از آنان نقل حدیث کرده است برشمرده، مانند جابر بن عبد الله انصاری، عبد الله بن عمر، عبد الله بن عباس، اَبی سعید خدری و غیره. اطلاعات کامل درباره شخصیت، روش کار، زبان علمی، منصفانه و بدون جهت گیری شیعی یا منطقه ای نویسنده و قلم محققانه، سبک عالمانه و منصفانه امروزی این اثر از ویژگی های بارز این نوشتار محسوب می شود. از دیگر ویژگی های این نوشتار، خالی بودن آن از آرای غالبانه است.

شایان ذکر است که اصل کتاب تفسیر عطیة عوفی به دست ما نرسیده و از بین رفته است، و این نوشتار از آرای تفسیری و نقل قول های وی در تفاسیر موجود مانند «جامع البیان» طبری، «تفسیر کبیر» فخر رازی، «مجمع البیان» طبرسی و «التبیان» شیخ طوسی گردآوری و بازسازی شده است. به گفته نویسنده این نوشتار، استاد عبدالرزاق حرزالدین، به دلیل پراکندگی آرا و اقوال عطیة در تفاسیر مختلف موجود، نگارش این نوشتار سه سال به طول انجامیده است. ۷۸

آثار و تألیفات

مهمترین آثار عطیة عوفی بدین شرح است: تفسیر قرآن در پنج جلد، خطبه فدک حضرت زهرا (س) و زیارت اربعین.

۶. أبوالحسن زید بن علی بن حسین بن ابی طالب (ع)

زید بن علی بن الحسین (ع)، فرزند امام سجاد (ع) و برادر امام محمد باقر (ع) و عموی

امام جعفر صادق (ع) است. زید امام پنجم شیعیان زیدیّه می باشد. شیعیان زیدیّه او را جانشین و امام پس از امام سجاده (ع) می دانند. وی برای شیعیان دوازده امامی مورد احترام است، اما اغلب شیعیان دوازده امامی معتقدند که وی هیچ گاه دعوی امامت نداشته است. نام وی پیش از تولد و به وسیله پیامبر اکرم (ص) برگزیده شده بود. أبوحمزه ثمالی در حدیثی بلند شرح دیدارش با حضرت سجاده (ع) در حج را بیان کرده و این که زید را در کودکی نزد امام می بیند و امام سجاده (ع) از آینده این کودک - زید - به او خبر می دهد. ^{۷۹} «شهادت»، «حلیف القرآن» ^{۸۰} و «زید الازیاد» القاب زید و «أبوالحسین» کنیه او می باشد. ^{۸۱} زید بن علی دارای فرزندان پسری بود که هر یک خود شخصیتی عالم و مجاهد بودند: یحیی - که مادرش «ریطه» است، دختر ابی هاشم عبدالله بن محمد حنفیه بود و از بانوان با شخصیت و بنام بنی هاشم بود -، و عیسی، حسین و محمد - که مادر این سه نفر کنیزی بود -.

زید بن علی نه تنها در زهد، عبادت، شجاعت، سخاوت و مردانگی معروف است، بلکه در علم و دانش نیز او یکی از بارزترین چهره های اسلام است. زید در احکام الهی، فقهی عمیق و دانشمندی بس سترگ بود، علم سرشار و دانش بی کران او زبانزد دوست و دشمن بود. مقام علمی زید بن علی آن قدر معروف و مسلم بود که او را به «عالم آل محمد (ص)» و یا «فقیه اهل بیت (ع)» ملقب ساخته بودند. امام جعفر صادق (ع) درباره اش گفته است: «خدا زید را رحمت کند! او عالمی درست گفتار بود» ^{۸۲}. علی بن موسی الرضا (ع) در مقام تجلیل و ستایش از او می گفت: «او از علمای آل محمد (ص) بود» ^{۸۳}. امام جعفر صادق (ع) در جای دیگری زید را با عظمت یاد می کند و می فرماید: «او مردی با ایمان، عارف، دانشمند و درستکار بود» ^{۸۴}. امام باقر (ع) زید را تکریم فراوان می کرد، چنان که شیخ صدوق از أبوجارود نقل کرده که گفته است: من نزد امام باقر (ع) بودم که زید وارد شد. وقتی چشم امام باقر (ع) به او افتاد فرمود: «او بزرگ خاندان خود و انتقام گیرنده خون آنهاست». آن گاه خطاب به زید فرمود: «البته برگزیده است مادری که تو را به دنیا آورده است ای زید» ^{۸۵}. از جابر بن یزید جعفری روایت شده است که گفت: امام باقر (ع) را دیدم که وقتی به برادرش زید نگاه می کرد این آیه را تلاوت کرد: «فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دُخْلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» (آل عمران، ۱۹۵/۳)؛ کسانی که هجرت کرده و از دیار خود رانده شده و در راه من اذیت شده اند و جهاد کرده و به شهادت رسیده اند، لغزش هایشان را پوشیده و آنان

راه باغ‌هایی که نه‌رها از پایین آنها جاری است وارد می‌کنم، این پاداشی از خداوند است، و بهترین پاداش نزد خداست. آن‌گاه امام باقر(ع) به زید اشاره کرد و فرمود: «سوگند به خدا او از مصادیق این آیه است». ۸۶

علمای بزرگ و صاحب نظران علم رجال و حدیث، مقام علمی زید بن علی را با عباراتی محکم و رسا بیان، و او را به عنوان یکی از بارزترین چهره‌های فقهی و علمی آل محمد(ص) ستایش کرده‌اند. مرحوم اردبیلی می‌گوید: زید بن علی مردی جلیل القدر است. او در راه خدا به مقام شهادت رسید و درباره شخصیت بزرگ او روایاتی بس زیاد رسیده است که مجال نقل آن نیست. ۸۷ شیخ در کتاب «تکلمه» در مقام بیان فضایل جناب زید بن علی می‌گوید: علمای اسلام بر جلالت، وثاقت، ورع، علم و فضل وی اتفاق دارند. ۸۸ شیخ طوسی در کتاب «فهرست» از عمر بن موسی و جیهی نقل می‌کند که گفت: هیچ کس را در تشخیص آیات قرآن از ناسخ و منسوخ و برگرداندن متشابه آن به محکم، چون زید بن علی ندیدم. ۸۹ شیخ مفید در ستایش زید بن علی و بزرگی او می‌نویسد: او پس از امام باقر(ع) از جمیع برادرانش افضل و برتر است. ۹۰ علامه مجلسی می‌گوید: او به امامت امام محمد باقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) معتقد بود. ۹۱ مامقانی می‌گوید: عقیده عده‌ای نسبت به امامت زید به فریب شیطان است، با وجودی که خود زید این عقیده را نفی می‌کرد و قائل به امامت فرزند برادرش امام جعفر صادق(ع) بود. ۹۲ قاضی نورالله شوشتری صاحب کتاب معروف «احقاق الحق» می‌گویند: تحقیق این است که زید بن علی مدعی امامت نبود و او معتقد بود که مستحق امامت و خلافت، در زمان او برادرزاده اش امام جعفر صادق(ع) می‌باشد. ۹۳

علما و پیشوایان بزرگ اهل سنت، مانند ابن حجر، ذهبی، ابن تیمیة، هیثمی و ابن شبة موقع تجلیل از مقام شامخ علمی زید بن علی می‌گویند: زید بن علی از شخصیت‌های بزرگ علمی خاندان نبوت و برجسته‌ترین عالم و فقیه آنان بود. ۹۴ ابوحنیفه یکی از بزرگ‌ترین پیشوایان اهل سنت درباره مقام علمی زید با جمله‌ای رسا و شگرف او را یاد می‌کند و می‌گوید: زید را چون دودمانش دیدم - در عظمت و علم -، ولی در عصر او کسی را داناتر و حاضر جواب‌تر و خوش بیان‌تر از او ندیدم، او در گفتگو با قاطعیت سخن می‌گفت. ۹۵ سفیان ثوری درباره زید می‌گوید: او داناترین خلق خدا به کتاب خدا بود، او جای حسین بن علی را پر کرد. ۹۶

مقام علمی زید بن علی به جایی رسید که گاهی ائمه بزرگ اسلام دانشمندان مبرزی را برای استفاده علمی و تصدیق آنان به محضر زید بن علی ارجاع می دادند. امام باقر(ع) خود نیز مقام علمی و تبحر فوق العاده زید را به اصحابش گوشزد می کرد و می فرمود: «به زید همانند علم ما، در وسعت و احاطه افاضه شده است». ۹۷

زید بن علی مفسر قرآن

زید بن علی می گوید: سیزده سال با قرآن خلوت کردم، آیات آن را می خواندم و در باره آن می اندیشیدم. ۹۸ او در تشخیص معانی قرآن و طرز قرائت آن، صاحب نظر بود و در بحث های خود، همیشه با الهام از این کتاب، خصم را مغلوب می ساخت. زید بن علی مفسری بزرگ، فقیهی نامدار و محدثی جلیل القدر بود. آگاهی های او از تفسیر و دانش های قرآنی و قرائت بس عظیم بود. در برخی از منابع آمده است که او در بسیاری از علوم قرآنی متضلع بود، از جمله وجوه قرائات که در این باب قرائتی ویژه داشت و کتابی در این زمینه تألیف نمود^{۹۹}. امام صادق(ع) در این مقام از ممارست و مطالعه عمیق وی سخن می گوید و با جمله ای افتخار آمیز از او یاد می کند: «به خدا سوگند، او در میان ما بیش از همه به قرائت قرآن اشتغال داشت»^{۱۰۰}. زید بن علی در اسناد روایاتی واقع شده است و همه این روایات را از پدرانش نقل می کند. وی کاتب و راوی صحیفه سجادیّه نیز می باشد.

زید خود یکی از برجسته ترین شاگردان مکتب امام سجاد(ع)، امام محمد باقر(ع) و برادر زاده اش امام جعفر صادق(ع) بوده و علوم مختلف اسلامی را مستقیماً از این سه بزرگوار اخذ کرده و پس از تسلط کامل در این علوم خود نیز به تربیت شاگرد پرداخته است. شاگردان برجسته وی عبارت بودند از: یحیی بن زید - فرزندش -، محمد بن مسلم، ابی حمزه ثمالی، محمد بن بکیر، ابن شهاب زهری، شعبه بن حجاج، ۱۰۱ ابوحنیفه، ۱۰۲ سلمه بن کهیل، ۱۰۳ یزید بن ابی زیاد، هارون بن سعید عجلی، ابوهاشم بن رمانی، حجاج بن دینار، آدم بن عبدالله خثعمی، اسحاق بن سالم، بسام بن صیرفی، راشد بن سعد، زیاد بن علاقه، عبدالله بن عمرو بن معاویه. اینها شاگردان ممتازی بودند که از کلاس علمی وی برخاسته اند و علوم و احادیث زیادی را از او فرا گرفته اند و هر یک به عنوان فقیهی صاحب نظر در میان مسلمین نورافشانی کرده اند. ۱۰۴

با توجه به اوضاع و احوال مسلمانان در زمان خلفای اموی و ستم هایی که از طرف آنان نسبت به خاندان پیامبر(ص) و مجاهدان علوی صورت می گرفت، علت قیام زید بن

علی را می توان چنین برشمرد: فشار و ستم فراوان بنی امیه بر خاندان پیامبر (ص) و فرزندان آنها؛ انتقام خون کشته شدگان کربلا؛ فاصله گرفتن خاندان بنی امیه از دستورات خدا و پیامبر (ص)؛ امر به معروف و نهی از منکر، و اصلاح وضع جامعه اسلامی؛ رساندن حکومت اسلامی به آل محمد (ص) و

زید مردم را به رضای آل محمد (ص) دعوت می نمود. زید بن علی خواستار اصلاح امر امت اسلام بوده است و می خواست در صورت پیروزی، حکومت و خلافت را به صاحب اصلی و واقعی آن، یعنی امام جعفر صادق (ع) برگرداند. وفات زید در سال ۱۲۲ ق بوده است. ۱۰۵

آثار و تألیفات

زید در علم کلام، فقه، قرائت، حدیث و ... کتاب هایی تألیف نمود که عناوین آنها بدین شرح است: تفسیر غریب القرآن، کتاب «الصفوة» و مساله امامت، مجموع الفقهی، القلة و الجماعة، المجموع الحدیثی، اثبات الوصیة، قرائته الخاصة، قرائت جده علی بن ابی طالب، منسک الحج، اخبار زید.

به زید بن علی کتابی نسبت داده اند با عنوان «القرائة». قرائت زید را نخست «عمر بن موسی وجیهی» از معاصران وی مدون کرد و نشر داد. این کتاب قرن ها در اختیار محققان و قرآن پژوهان بوده است. ۱۰۶ اقوال زید بن علی در قرائت، در تفاسیر قرآن به ویژه تفسیرهایی که به قرائت توجه شایانی داشته اند، مانند «بحر المحيط» و «کشاف» پراکنده است. ۱۰۷

افزون بر این، باید از اثر جلیل و نفیس وی با عنوان «تفسیر غریب القرآن» یاد کرد. دکتر محمد تقی حکیم پس از آن که مدون بودن آنچه به ابن عباس نسبت داده اند را مورد تردید قرار می دهد، بر این نکته تأکید می ورزد که اولین اثری که در «غریب القرآن» نگاشته شده است، کتاب «غریب القرآن» زید بن علی (ع) است. ۱۰۸ «تفسیر غریب القرآن» زید را دو تن از محققان معاصر تحقیق و تصحیح کرده اند که در ایران و لبنان نشر یافته است. ۱۰۹ این تفسیر به کوشش آقای سید محمد رضا حسینی جلالی و توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به زبان فارسی به چاپ رسیده است. ۱۱۰

راوی کتاب تفسیر «غریب القرآن»، عطاء بن سائب - م ۱۳۶ ق - است که از سوی رجالین شیعه و سنی توثیق شده است. گویا وی در ابتدا از علمای عامه بوده، سپس مستبصر شده و شیعه گردیده است؛ ولی به طرفداری از فکر زیدیه، نه امامیه، روایاتی چند

از وی در کتب اربعة یافت می گردد. ۱۱۱ این تفسیر چنان که از نام آن معلوم است، به تفسیر آیات مشکل قرآن پرداخته است.

۷. أبوجعفر محمد بن علی بن ابي شعبة حلبی

تفسیر ابن ابي شعبة اثر أبوجعفر محمد بن علی بن ابي شعبة حلبی - م ۱۳۵ق-، از ثقات مفسران امامیه و از برجستگان علمای خاندان آل ابي شعبة حلبی است. وی حدیث، تفسیر و تأویل را از امام جعفر صادق (ع) اخذ کرده است. در کتب رجال بر توثیق وی اتفاق نظر است و تفسیر او به شیوه آن عصر، روایی است و مفسران دیگر از آن نقل کرده اند، ولی اکنون وجود ندارد. نجاشی پس از توثیق ابي شعبة، تفسیر وی را ضبط کرده و آن را توسط استادانش در روایت محمد بن جعفر نحوی تمیمی و ابن نوح سیرافی به سه واسطه روایت می نماید. ۱۱۲

آثار و تألیفات

رجال یون شیعہ آثار زیر را برای ابن ابي شعبة حلبی بر شمرده اند: کتاب «التفسیر» و کتاب «مبوت فی الحلال و الحرام». ۱۱۳

۸. أبومحمد داوود بن ابي هند سرخسی

داوود بن ابي عذافر قشیری سرخسی، اصالتا خراسانی و اهل سرخس است. ذهبی زادگاه وی را شهر مرو می داند و چون داوود مدتی در بصره اقامت داشته به بصری نیز شهرت یافته است. ۱۱۴ نام پدرش دینار بن عذافر، معروف به ابي هند است. داوود چون پدرش مولای زنی از قشیری ها بود، بدین جهت به قشیری نیز مشهور است. داوود از طریق خیاطی یا فروش خز، امرار معاش می کرد و در کنار آن به تحصیل علم و دانش نیز می پرداخت. او از اصحاب ایرانی امام باقر (ع) است. ۱۱۵ مامقانی اظهار می دارد که وی باید امامی مذهب باشد که صاحب الذریعة و اعیان الشیعة به امامی بودن و تشیع او تصریح کرده اند. ۱۱۶

او فقیهی کامل بود که از دوران جوانی در زمان حسن بصری فتوا می داد. حماد بن زید می گوید: در فقه احدی را برتر از داوود ندیدم. ۱۱۷ علمای اهل سنت داوود را از راویان موثق به شمار می آورند و علّامه امینی وی را فردی دانسته است که همگان در ثقه بودنش اتفاق نظر دارند. ۱۱۸ داوود علاوه بر شهرت علمی، در زهد و تقوا نیز شهره بود. وی

از سعید بن مسیب، عکرمه، شعبی، حسن بصری، محمد بن سیرین و بسیاری دیگر حدیث شنید؛ و سفیان ثوری، شعبه، ابن جریح، یحیی القطان، ابن علیة و دیگر راویان از او حدیث نقل کرده‌اند. او را از حفاظ بصره بر می‌شمردند. ابن حنبل، ابن معین، نسائی، أبوحاتم رازی و عجللی او را ثقه دانسته‌اند، و در پنج کتاب صحیح از صحاح سته به روایات او احتجاج شده است. ۱۱۹ او چهل سال پنهان از دیگران روزه گرفت؛ بدین ترتیب که به هنگام خروج از خانه با تظاهر به نداشتن روزه غذای خود را بر می‌داشت و به دنبال کسب روزی بیرون می‌رفت؛ ولی در بین راه آن را به فقرا می‌داد و شب هنگام به خانه بر می‌گشت و افطار می‌کرد. یکی از کارهای او نصیحت جوانان است. محمد بن ابی عدی در حکایتی از دوران جوانی خود می‌گوید: روزی داوود به ما رو کرد و گفت: ای جوانان! برای تان از مطلبی خبر می‌دهم که شاید برای برخی مفید باشد. خردسال که بودم به بازار می‌رفتم و هنگامی که آهنگ بازگشت به منزل می‌نمودم، با خود شرط می‌کردم که تا رسیدن به فلان مکان، ذکر خدای تعالی بگویم و چون به آن مکان می‌رسیدم تا مکان بعدی همین کار را تکرار می‌کردم تا آنکه به منزل می‌رسیدم. ۱۲۰

آثار و تألیفات

داوود در علم تفسیر از علمای مشهور زمان خود بود. او تفسیری داشت به زبان عربی و به شیوه صدر اول اسلام، روایی بود. این تفسیر معروف بود به «تفسیر ابن ابی هند»، ۱۲۱ که اثری از آن باقی نمانده است.

- | | |
|---|--|
| ۱۱. رجال شیخ طوسی/ ۱۱۱ و ۱۶۳. | ۱. الارشاد، ۲/ ۲۳۰. |
| ۱۲. تأسیس الشیعه/ ۳۲۶. | ۲. رجال شیخ طوسی، ۱۰۲-۱۴۲. |
| ۱۳. مجموعه مصنفات شیخ مفید، ۹/ ۲۵-۳۵؛ رک: تفسیر و مفسران، ۱/ ۳۸۵. | ۳. بحارالانوار، ۱۱/ ۸۳. |
| ۱۴. معجم رجال الحدیث، ۴/ ۱۷-۲۱. | ۴. أعیان الشیعة، ۲/ ۲۸؛ رک: نهضت بزرگ علمی امام باقر(ع)/ ۵۹. |
| ۱۵. مناقب آل ابی طالب(ع)، ۴/ ۲۸۰. | ۵. رجال شیخ طوسی/ ۱۰۲-۱۰۴. |
| ۱۶. الکاشف، ۲/ ۱۶۵. | ۶. رجال کشی/ ۱۶۹. |
| ۱۷. معجم مصنفات القرآن الکریم، ۲/ ۱۶۶؛ تاریخ الاسلام، ۶/ ۵۹-۶۰. | ۷. الکافی، ۳/ ۲۳۴-۲۳۵؛ الخرائج و الجرائح، ۱/ ۲۴۶. |
| ۱۸. تاریخ الاسلام، ۸/ ۵۹. | ۸. رجال شیخ طوسی/ ۱۰۲-۱۰۴. |
| ۱۹. معجم المفسرین، ۱/ ۱۲۳-۱۲۴. | ۹. من لا یحضره الفقیه، ۳/ ۵۱۶-۵۱۷؛ تفسیر عیاشی، ۲/ ۱۴۷-۱۴۸؛ قرب الاستناد/ ۳۰۹. |
| ۲۰. الاعلام، ۲/ ۹۳. | ۱۰. بحارالانوار، ۴۶/ ۳۴۱؛ رجال کشی/ ۱۶۹. |

۲۱. قاموس الرجال، ۳/ ۳۳۵.
۲۲. مصباح المتهجد، ۷۳۸-۷۳۹؛ الاقبال، ۲/ ۲۷۲-۲۷۵.
۲۳. امالی شیخ طوسی/ ۲۹۶.
۲۴. تفسیر عیاشی، ۲/ ۲۵۶-۲۵۷.
۲۵. تأویل منازل من القرآن الکریم فی النبی وآله و آلہ، ۲۱۱، ۲۱۵.
۲۶. بحارالانوار، ۴۶/ ۲۸۹؛ رجال کشی/ ۱۶۹.
۲۷. الکافی، ۱/ ۲۰۹.
۲۸. بصائر الدرجات/ ۱۹۳.
۲۹. الکافی، ۲/ ۶۳۰.
۳۰. رجال نجاشی/ ۱۲۹؛ معجم رجال الحدیث، ۴/ ۳۳۸-۳۴۱؛ فهرست شیخ طوسی/ ۷۳.
۳۱. فهرست شیخ طوسی/ ۵-۶.
۳۲. رک: تفسیر و مفسران، ۱/ ۳۳۶.
۳۳. رجال نجاشی/ ۱۱-۱۲.
۳۴. میزان الاعتدال، ۱/ ۶؛ المراجعات/ ۱۰۱.
۳۵. رجال نجاشی/ ۱۱؛ معجم رجال الحدیث، ۱/ ۱۳۲.
۳۶. رجال کشی، چاپ نجف/ ۲۸۰.
۳۷. امام شناسی، ۱۶-۱۷/ ۴۳.
۳۸. رجال نجاشی/ ۱۲.
۳۹. جامع الرواة، ۱/ ۹.
۴۰. فهرست شیخ طوسی/ ۶-۷؛ معجم رجال الحدیث، ۱/ ۱۴۳.
۴۱. رجال نجاشی/ ۱۱؛ فهرست ابن ندیم/ ۳۰۸؛ معجم رجال الحدیث، ۱/ ۱۳۲.
۴۲. رجال نجاشی/ ۱۱۵؛ معجم رجال الحدیث، ۴/ ۲۹۳.
۴۳. فهرست ابن ندیم/ ۳۰۸.
۴۴. رک: مقدمه تفسیر ابو حمزه ثمالی، گردآوری عبدالرزاق حرزالدین/ ۲۰-۲۵.
۴۵. رک: تفسیر و مفسران، ۱/ ۴۱۸.
۴۶. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن طاووس/ ۴۷.
۴۷. سفینة البحار، ۲/ ۴۴.
۴۸. فهرست ابن ندیم/ ۳۰۸؛ رجال نجاشی/ ۱۱۵-۱۱۶؛ معجم رجال الحدیث، ۴/ ۲۹۳.
۴۹. الملل والنحل، ۱/ ۱۵۳.
۵۰. رجال علامه حلی/ ۲۲۳.
۵۱. رجال شیخ طوسی/ ۱۲۲.
۵۲. همان/ ۱۹۷.
۵۳. رجال نجاشی/ ۱۷۰.
۵۴. معجم رجال الحدیث، ۸/ ۳۳۲-۳۳۳.
۵۵. رک: معجم رجال الحدیث، ۸/ ۳۳۲-۳۳۳؛ تفسیر و مفسران، ۱/ ۴۲۲؛ فرق الشیعه/ ۵۵.
۵۶. رک: تهذیب التهذیب، ۳/ ۳۸۶.
۵۷. تفسیر قمی/ ۱۰۲، ۲۷۱.
۵۸. همان/ ۱۰۵؛ رک: تفسیر قمی در ترازوی نقد (۲)، پژوهشهای قرآنی، ش ۵-۶، ویژه قرآن و اهل بیت (ع)، بهار و تابستان ۱۳۷۵ ش.
۵۹. فهرست ابن ندیم/ ۵۰؛ رجال نجاشی/ ۱۷۰؛ معجم رجال الحدیث، ۸/ ۳۳۲-۳۳۳.
۶۰. تفسیر قرآن در دوره اول اسلام، پیام جاویدان، ش ۸، پاییز ۱۳۸۴ ش، ص ۱۰۱.
۶۱. سفینة البحار، ۲/ ۲۰۶؛ طبقات الکبری، ۶/ ۳۰۴.
۶۲. طبقات الکبری، ۶/ ۳۰۴.
۶۳. شذرات الذهب، ۱/ ۱۴۴.
۶۴. میزان الاعتدال، ۳/ ۷۹.
۶۵. رجال شیخ طوسی، ۵۱.
۶۶. تهذیب التهذیب، ۷/ ۲۲۵-۲۲۶.
۶۷. سفینة البحار، ۶/ ۲۹۶.
۶۸. تاریخ التراث العربی، ۱/ ۷۳.
۶۹. همان.
۷۰. بحارالانوار، ۳۷/ ۱۸۵.
۷۱. همان، ۳۷/ ۱۹۰.
۷۲. همان، ۶۸/ ۱۳۰.
۷۳. همان، ۱۰۱/ ۱۰۶؛ کامل الزیارات/ ۹۰.
۷۴. اعیان الشیعه، ۱۵/ ۱۴۳.
۷۵. تاریخ یعقوبی، ۲/ ۲۲۷-۲۲۸.
۷۶. همان، ۲/ ۲۷۷-۲۷۸.
۷۷. سفینة البحار، ۶/ ۲۹۲؛ برگرفته از: عطیة عوفی الگوی مقاومت، فرهنگ کوثر، ش ۲۷، خرداد ۱۳۷۸ ش، ۷۳.

۷۸. برگرفته از: مقدمه تفسیر القرآن الکریم به روایت عطیه عوفی؛ ویژه نامه روزنامه همشهری، تیرماه ۱۳۸۹ ش؛ نشست بررسی کتاب «تفسیر القرآن الکریم به روایت عطیه عوفی» در روز پنج شنبه، ۱۶ اردیبهشت ماه با حضور استاد محمد علی مهدوی راد و دکتر علی معموری در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران.
۷۹. زید الشهید/۸؛ سیره و قیام زید بن علی / ۱۱ .
۸۰. کثرت انس او با قرآن سبب توصیف او به «حلیف القرآن» هم پیمان با قرآن، شده بود- عمده المطالب / ۲۵۵-.
۸۱. تاریخ طبری، ۸ / ۲۷۵؛ تاریخ ابن عساکر، ۶ / ۲۰؛ شرح ابن ابی الحدید، ۱ / ۳۱۵ .
۸۲. الغدیر، ۲ / ۲۲۱ .
۸۳. سفینة البحار، ۱ / کلمه زید؛ الغدیر، ۳ / ۷۱ .
۸۴. رجال کشی / ۱۸۴؛ الغدیر، ۳ / ۷۰ .
۸۵. امالی شیخ صدوق، ۳۳۵۴ .
۸۶. بحوث فی الملل و النحل، ۷ / ۷۱ .
۸۷. جامع الرواة، ۱ / ۳۴۳ .
۸۸. تنقیح المقال، ۱ / ۴۶۷ .
۸۹. زید الشهید / ۱۴ .
۹۰. الارشاد / ۲۵۱ .
۹۱. مرآة العقول، ۱ / ۲۶۱ .
۹۲. تنقیح المقال، ۱ / ۴۶۹ .
۹۳. مجالس المؤمنین، ۲ / ۲۵۵ .
۹۴. زید الشهید / ۱۴ .
۹۵. همان؛ الخطط المقریزی، ۴ / ۳۰۷ .
۹۶. مقتل الحسین، ۲ / ۱۱۰ .
۹۷. زید الشهید / ۱۴ .
۹۸. المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ۲ / ۴۳۶ .
۹۹. الکشاف، ۱ / ۴۳؛ الحور العین / ۱۸۶ .
۱۰۰. تهذیب ابن عساکر، ۶ / ۱۸ .
۱۰۱. همان، ۶ / ۱۵ .
۱۰۲. روض النضیر، ۱ / ۶۶ .
۱۰۳. جامع الرواة، ۲ / ۳۴۰ .
۱۰۴. الحدائق الوردیة، ۱ / ۱۴۹ .
۱۰۵. طبقات الکربری، ۵ / ۲۴۰؛ مقاتل الطالبیین، ۱۳۰ .
۱۰۶. فهرست شیخ طوسی / ۱۴۰ .
۱۰۷. رک: تفسیر الشهید زید بن علی المسمی «تفسیر غریب القرآن».
۱۰۸. همان، مقدمه / ۱۳-۱۴ .
۱۰۹. تفسیر الشهید زید بن علی المسمی «تفسیر غریب القرآن»؛ تفسیر غریب القرآن المنسوب الی الامام الشهید زید بن علی .
۱۱۰. زید بن علی بن الحسین (ع)، غریب القرآن المنسوب الی الشهید زید بن علی بن الحسین (ع) .
۱۱۱. معجم رجال الحدیث، ۱۱ / ۱۴۴-۱۴۵؛ تهذیب التهذیب، ۷ / ۲۰۳-۲۰۷ .
۱۱۲. أعیان الشیعة، ۲ / ۸۹؛ جامع الرواة، ۲ / ۱۵۱؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة، ۴ / ۲۴۰؛ رجال ابن داود / ۳۲۴؛ رجال شیخ طوسی / ۲۹۵؛ رجال نجاشی / ۳۲۵؛ رجال علامه حلی / ۱۰۳؛ فهرست شیخ طوسی / ۳۰۳؛ معالم العلماء / ۹۴؛ طبقات مفسران شیعه / ۶۶؛ معجم رجال الحدیث، ۱۷ / ۳۲۵؛ کامل الزیارات / ۸۹؛ رجال برقی / ۲۰ .
۱۱۳. رجال نجاشی / ۳۲۵؛ معجم رجال الحدیث، ۱۷ / ۳۲۵ .
۱۱۴. رجال شیخ طوسی / ۱۲۰؛ معجم رجال الحدیث، ۲ / ۲۷۹ .
۱۱۵. رجال شیخ طوسی / ۱۲۰ .
۱۱۶. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ۴ / ۲۴۰؛ اعیان الشیعة، ۶ / ۳۶۶ .
۱۱۷. راویان مشترک، ۱ / ۳۰۰ .
۱۱۸. الغدیر، ۸ / ۳۱۸ .
۱۱۹. تهذیب التهذیب، ۳ / ۱۸۲-۱۸۳؛ طبقات الکربری، ۷ / ۱۸۹-۱۹۰ .
۱۲۰. راویان مشترک، ۱ / ۳۱۸ .
۱۲۱. فهرست ابن ندیم / ۳۶؛ رجال شیخ طوسی / ۱۲۰؛ جامع الرواة، ۱ / ۳۰۱؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة، ۴ / ۲۴۰؛ معجم رجال الحدیث، ۷ / ۹۱ .